کیهان

سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ □ ۱۵ ذی‌القعده ۱۴۴۶ □ ۱۳ مه ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۸۵۶

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۱، اذان مغرب: ۱۹/۲۱، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۲، اذان صبح(فردا): ۳/۲۲، طلوع آفتاب(فردا): ۵/۰۰

فارن افرز: اروپا بدون آمریکا قادر نیست از خود دفاع کند

«فارن افرز» در گزارشی نوشت که عقب‌نشینی آمریکا از حمایت اوکراین می‌تواند باعث تزلزل اراده اروپا، تقویت روسیه و تهدید امنیت کلی اروپا شود.

هیچ نشانه‌ای از تعهد امنیتی پایدار به اوکراین از سوی «دونالد ترامپ» دیده نمی‌شود. چنان‌که به گزارش رسانه آمریکایی «فارن افرز»، آن‌طور که باشگاه خبرنگاران از آن نقل کرده، هیچ بعید نیست او در صورت ناکامی در رسیدن به صلحی «مطلوب»، به یکباره پشتیبانی آمریکا را قطع کند. در غیاب چتر امنیتی آمریکا، ناتو دچار تزلزل می‌شود. روسیه با تکیه بر ابزارهای کلاسیک خود، از فشار اقتصادی و انرژی گرفته تا ...، می‌تواند شکاف‌هایی در میان کشورهای اروپایی ایجاد کند. این فرآیند، بنیان‌های همگرایی اتحادیه اروپا را سست کرده و به شکل‌گیری اروپایی «پساآمریکایی» منجر خواهد شد، وضعیتی که فارن‌افرز آن را تهدیدی استراتژیک برای ساختار امنیتی قاره می‌داند. اروپا هنوز برای خوداتکایی نظامی آماده نیست؛ نه زیرساخت‌های لازم وجود دارد، نه ظرفیت صنعتی کافی، و نه اجماع سیاسی برای مقابله مستقل با تهدید.

حماس با یک اسیر محاصره غزه را شکست

حماس ضمن مذاکره مستقیم با آمریکا توانست، در قبال آزادی یک اسیر آمریکایی- صهیونیستی، محاصره غزه را برای ورود ده‌ها کامیون دارو و مواد غذایی بشکند.

چند روز پس از این که ترامپ با یمنی‌ها به توافق رسید خبر رسیده است که او، با حماس نیز وارد مذاکره شده و پذیرفته در قبال آزادی یک اسیر آمریکایی- صهیونیستی با نام «عیدان الکساندر» شکستن محدود محاصره غزه برای ورود ۳۵ کامیون دارو و غذا را می‌پذیرد. طبق این گزارش که برخی معتقدند، باعث تحقیر رژیم صهیونیستی شده است، دیروز پس از این توافق ۳۵ کامیون وارد غزه شدند و ۳۰۰ کامیون نیز در مرز مصر آماده ورود به این باریکه هستند. روزنامه عبری «معاریو» نوشته، مقامات صهیونیست در جریان این مذاکرات نبوده‌اند! «محمود مرداوی»، از رهبران حماس نیز اعلام کرد: «پس از مذاکرات با طرف آمریکایی، دستیابی به توافقی گسترده اکنون بیش از هر زمان دیگری نزدیک شده است... با واشنگتن بر سر ورود کمک‌های بشردوستانه و بازگشایی گذرگاه‌ها توافق کرده‌ایم و پس از آن وارد مذاکرات بعدی خواهیم شد.»

نگاه

به «برلین» پایتخت دوم رژیم صهیونیستی خوش آمدید!

مترجم: سید محمد امین آبادی

در ۲۸ مارس(۸ فروردین) هفته‌نامه صهیونیستی «یهودیان آلمانی» با خرسندی اعلام کرد که «تل‌آویو» به جدیدترین شهر خواهرخوانده «برلین» تبدیل خواهد شد و همه جناح‌های مجلس ایالتی برلین نیز با این تصمیم موافقت کرده‌اند. چند روز بعد، روزنامه«تاگس اشپیگل» آلمان اعلام کرد که «این دو کلان‌شهر نقاط مشترک بسیاری دارند». رسوایی از این بالاتر؛ نمایندگان احزاب مختلف در مجلس ایالتی برلین شامل دموکرات‌های مسیحی، سوسیال‌دموکرات‌ها و حزب سبز همراه با حزب «چپ» و جریان فاشیستی «آلترناتیو برای آلمان» تصمیم گرفته‌اند که بیش از پیش به قصابان نسل‌کش تل‌آویو نزدیک شوند و پیوند خود را با این قصابان نسل‌کش عمیق‌تر کنند آن‌هم در شرایطی که بخش‌های بزرگی از جهان به‌تدریج در حال فاصله گرفتن از این رژیم هستند. انتخاب یک شهر خواهرخوانده چیزی بسیار فراتر از یک اقدام نمادین است، به‌ویژه وقتی آن شهر پایتخت رژیمی است که تحت حاکمیت جنایتکاران جنگی قرار دارد. چنین تصمیمی بازتابی است از منافع و ارزش‌های مشترکی که ظاهراً این دو شهر و ساکنانشان را به هم پیوند می‌دهد. آنچه در این شراکت به نمایش گذاشته می‌شود، بسیار گویاست؛ در حالی که یک‌سو مرتکب نسل‌کشی می‌شود، سوی دیگر از آن حمایت می‌کند، آن را ترویج می‌دهد و تأمین مالی‌اش را بر عهده می‌گیرد؛ در حالی که یک‌سو پاکسازی قومی انجام می‌دهد، سوی دیگر وانمود به بی‌خبری می‌کند؛ وقتی یک‌سو کودکان، روزنامه‌نگاران و کارکنان درمانی را عامدانه هدف قرار می‌دهد، سوی دیگر چشم می‌پوشد و همچنان شعار حقوق بشر سر می‌دهد؛ وقتی یک‌سو ملتی را از گرسنگی به کام مرگ می‌کشاند، سوی دیگر شانه بالا می‌اندازد و راه بی‌تفاوتی در پیش می‌گیرد.هر دو طرف (آلمان و رژیم صهیونیستی)، در بی‌اعتنایی به حقوق بین‌الملل و مرجعیت دیوان کیفری بین‌المللی، شریک جرم هستند. این فهرست هنوز کامل نیست، اما حتی تا همین‌جا نیز یکی از مشمئزکننده‌ترین اتحادهای قابل تصور را رقم می‌زند. برلین و تل‌آویو، همان‌طور که رسانه‌های آلمانی به‌درستی اشاره کرده‌اند، واقعاً نقاط مشترک زیادی دارند.

تصمیم نمایندگان برلین پیامی روشن به جهان مخابره می‌کند درباره اینکه پایتخت آلمان امروز نماینده چه ارزش‌هایی‌ست و این تصمیم، نمادی از یک فراموشی تاریخی است.شهری که خود چند دهه پیش در محاصره بود و همواره آن تجربه را به‌عنوان بخشی اساسی از حافظه جمعی‌اش بازگو می‌کند، اکنون جانب رژیمی را گرفته است که خود غزه را تحت محاصره دارد.

برلین خود را همسو کرده است با پایتخت رژیمی که نه‌تنها نوار غزه را طی ۱۷ سال گذشته در محاصره نگه داشته، بزرگ‌ترین زندان روی زمین را ساخته و فلسطینی‌ها را «به گرسنگی غذایی» اجباری واداشته است، بلکه بیش از ۱۸ ماه است که دست به نسل‌کشی می‌زند؛ کارزاری که با حمایت کامل مردم تل‌آویو ادامه یافته است. اگر تجربه محاصره در جنگ جهانی دوم واقعاً و همان طور که سیاستمداران آلمانی با وقار فراوان ادعا می‌کنند، تا این اندازه برای حافظه تاریخی برلین مهم و تعیین‌کننده بود، تنها یک انتخاب طبیعی و شایسته برای خواهرخواندگی وجود داشت و آن هم شهر غزه بود. اما بر خلاف غزه، برلین پس از جنگ جهانی دوم، در دوران محاصره تنها نماند. کشورهای غربی هواپیماهای کمک‌رسان را به آسمان این شهر فرستادند و به آن منطقه محاصره‌شده غذا رساندند و شوروی نیز مانع این کمک‌رسانی نشد. اگر نمایندگان برلین می‌خواستند به تجربیات تاریخی خود وفادار بمانند و مسئولیت اخلاقی برآمده از آن را به‌درستی ایفا کنند، می‌بایست در روز ۸ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۶ مهر ۱۴۰۲) هواپیماهای کمک رسان خود را راهی غزه می‌کردند نه اینکه خود را شریک جنایت نسل‌کشی کنند. آن‌ها حتی نباید لحظه‌ای به خواهرخواندگی با پایتخت یک رژیم جنایتکار فکر می‌کردند.

انتخاب پایتخت اسرائیل به‌عنوان شهر خواهرخوانده از سوی برلین، نشان می‌دهد که تا چه اندازه سیاستمداران آلمانی در سال‌های اخیر اجازه داده‌اند لابی صهیونیستی بر دستور کار سیاسی این شهر تسلط پیدا کند. دولت آلمان، به‌ویژه در شهر برلین، برخوردهایی انجام می‌دهد که با اصول بنیادین «حاکمیت قانون» در تضاد است. امروز تنها کافی‌ست که یک رویداد یا اظهارنظر، ضد رژیم اسرائیل، «یهودستیزی» تلقی شده و دستگاه سرکوب دولت آلمان فوراً به حرکت درآید. از کارزارهای تخریبی و یورش‌های پلیسی گرفته تا تعقیب قضائی فعالان و جرم‌انگاری همبستگی انسانی با غزه، هرگونه تظاهراتی در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها در برلین با سرکوب وحشیانه پلیس ضد شورش نظامی برلین مواجه می‌شود.

حزب دموکرات‌مسیحی و حزب خواهر آن در ایالت بایرن، یعنی اتحادیه سوسیال مسیحی بایرن پس از پیروزی در انتخابات یک استعلام جزئی از دولت فدرال با عنوان «بیطرفی سیاسی سازمان‌های تأمین‌شده از بودجه دولت» ارائه دادند. این استعلام شامل بیش از ۵۰۰ سؤال بود که به‌طور مشخص سازمان‌های مدنی منتقد نسل‌کشی اسرائیل را با هدف محروم‌سازی آن‌ها از منابع مالی دولتی هدف قرار می‌داد. جای تعجب ندارد که در این استعلام حتی یک نهاد وابسته به لابی صهیونیستی گنجانده نشده است با آن‌که این گروه‌ها آشکارا سیاسی هستند. برعکس، این گروه‌ها به‌عنوان بازوهای تبلیغاتی برای هدف صهیونیستی و نسل‌کشی اسرائیل علیه مردم فلسطین عمل می‌کنند. اما شاید مهم‌تر از همه این باشد که دو سال پیش، بودجه مالیات‌دهندگان برای یکی از گروه‌های لابی صهیونیستی تقریباً دو برابر شد و به مجموع سالانه ۲۳ میلیون یورو (معادل ۲۵ میلیون دلار) رسید. یک سازمان صهیونیستی دیگر نیز به‌طور علنی از سوی وزارت کشور تأمین مالی می‌شود.پرسش این است که دقیقا کدام منفعت عمومی از این سازمان‌ها به جامعه آلمان می‌رسد؟

در ۱۹ فوریه ۲۰۲۵ (۱ اسفند ۱۴۰۳) شهردار برلین، از طرف لابی صهیونیستی بر رئیس دانشگاه «فریه»، فشار وارد کرد تا سخنرانی «فرانچسکا آلبانیز»، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور فلسطین اشغالی در این دانشگاه لغو شود. گویی این کافی نبود، برلین در ۱آوریل(۱۲ فروردین) اقدامی شبیه به دولت ترامپ انجام داد و اعلام کرد سه شهروند اتحادیه اروپا و یک شهروند آمریکا صرفاً به دلیل شرکت در تظاهرات حمایت از غزه، اخراج می‌شوند. این افراد هیچ جرمی مرتکب نشده بودند. اما در برلین، آزادی بیان دیگر قابل تحمل نیست، به‌ویژه وقتی برای دفاع از حقوق فلسطینی‌ها مورد استفاده قرار گیرد. این اقدام پیامی روشن ارسال می‌کند: هر کسی که خواستار عدالت برای فلسطینی‌ها باشد، اکنون هدف سرکوب دولتی است. اگر دادگاه‌ها نتوانند این سقوط به سمت دیکتاتوری را متوقف کنند، شهروندان آلمانی ممکن است به‌زودی به دلیل انتقاد از جنایات جنگی اسرائیل به زندان بیفتند و شهروندان خارجی مقیم آلمان نیز با خطر اخراج مواجه خواهند بود.

پس از آنکه نمایندگان پارلمان آلمان در سال ۲۰۱۷ به‌طور یکپارچه تعریف «اتحادیه بین‌المللی یادبود هولوکاست» (IHRA) از یهودستیزی را پذیرفتند، عواقب واقعی این اقدام برای دموکراسی آلمان در پرتو نسل‌کشی مستمر صهیونیستی علیه مردم فلسطین آشکار شد. دو طرح مهم که در نوامبر ۲۰۲۴ و ژانویه ۲۰۲۵ در پارلمان آلمان تصویب شدند، به‌طور چشمگیری جامعه آلمان را دگرگون کردند و مسیر را برای تأثیر بیشتر رژیم صهیونیستی بر این کشور هموار کردند. اولین حمله به دموکراسی آلمان تحت رهبری صهیونیست‌ها در نوامبر(آبان۱۴۰۳) با تصویب قطعنامه «هرگز همین الان است: حفظ و تقویت زندگی یهودیان در آلمان» رخ داد. تصویب این قطعنامه به دولت آلمان این امکان را می‌دهد که به‌طور اصولی در زندگی اجتماعی مردم دخالت کند و هر فردی، یهودی یا غیر یهودی، را به‌عنوان یهودستیز معرفی کند و کسانی را که علیه رژیم صهیونیستی و جنایات جنگی آن صدای اعتراض بلند می‌کنند، مجازات کند.

حمله دوم به دموکراسی در آلمان، ۲۸ ژانویه(۹ بهمن ۱۴۰۳) با تصویب قطعنامه «یهودستیزی و دشمنی با اسرائیل در مدارس و دانشگاه‌ها» صورت گرفت. این قطعنامه به‌طور فاحشی به استقلال دانشگاه‌ها و آزادی پژوهش و تدریس حمله می‌کند. تحت پوشش نگرانی از افزایش فرضی یهودستیزی در مدارس و دانشگاه‌ها، این اتهام به ابزاری برای خاموش کردن صدای اساتید و دانشجویان منتقد تبدیل شده است. با نگاهی به پیشینه نمایندگان پارلمان آلمان متوجه می‌شویم که رژیم صهیونیستی در پشت تصویب این قطعنامه‌ها بوده است. نمایندگان پارلمان آلمان به‌جای دفاع از حقوق دموکراتیک یا ایستادگی در برابر نفوذ فزاینده صهیونیسم، به همدستان داوطلب طرحی تبدیل شده‌اند که نه تنها نهادهای آلمان بلکه خود دموکراسی این کشور را نیز از درون فرو می‌پاشاند. برلین که زمانی با عنوان «فقیر اما جذاب» شناخته می‌شد، جوانانی از سراسر جهان، نخبگان فرهنگی و دانشمندان برجسته را به‌سوی خود جذب می‌کرد. اما آن دوران دیگر به پایان رسیده است. امروزه، برلین به ابزاری برای سوءاستفاده از اتهام یهودستیزی در جهت تخریب دموکراسی تبدیل شده و تیشه به ریشه آزادی اندیشه، بیان، پژوهش و آموزش زده است. برلین با شراکت رسمی‌اش با تل‌آویو، به پناهگاهی امن برای برتری‌طلبان صهیونیست، نژادپرستان و برای سربازان اسرائیلیِ مرتکب جنایات جنگی در غزه، و برای مقامات تحت تعقیب دولت اسرائیل تبدیل شده است. به برلین پایتخت سرکوب حامیان فلسطین خوش آمدید.

منبع: میدل ایست آی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

چین، جلوی قلدری ترامپ ایستاد تعرفه‌ها کاهش یافت!

سرویس خارجی-

با ایستادگی چین مقابل قلدری آمریکا در جنگ تجاری اخیر بین دو کشور، سرانجام آمریکا پذیرفت تعرفه سنگینی را که برای کالاهای چینی بسته بود، ۱۵۰درصد کاهش دهد. چین نیز با این عقب‌نشینی تعرفه سنگینی را که روی کالاهای آمریکایی وضع کرده بود، کاهش داد.

ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود همواره الگوی حکمرانی ثابتی داشته است. وی بر دیپلماسی از طریق اعمال زور باور دارد و تا زمانی که طرف مقابل در مقابل فشارها ایستادگی نکند، برای پیشبرد اهداف خود فشارها را افزایش می‌دهد. اما زمانی که طرف مقابل ایستادگی و تلافی می‌کند، وی عقب‌نشینی می‌کند. ترامپ دولت یمن را به شدیدترین حملات تهدید کرده بود اما زمانی که با مقاومت و پاسخ‌های جانانه یمنی‌ها روبه رو شد، سریع عقب نشست و تن به آتش‌بس با آنها داد؛ در حالی که به اذعان «فارن‌افرز» به هیچ‌یک از اهداف خود در این جنگ هم نرسیده بود.

ترامپ حماس را نیز تهدید کرده بود که اگر اسرای صهیونیست را در آن زمانی که او مشخص می‌کند، آزاد نکند، «دروازه‌های جهنم» را به روی آنها باز خواهد کرد. اما زمانی که مقاومت آنها را دید عقب نشست و نمایندگان خود را فرستاد تا با حماس در مصر مذاکره کنند. ترامپ ایران را نیز تهدید به نابودی تاسیسات هسته‌ای و حملات ویرانگر هوائی کرده بود اما زمانی که مقاومت مسئولان کشورمان را دید مجبور شد به مذاکره غیرمستقیم با ایران تن دهد و دست‌آخر این که ترامپ زمانی که ایستادگی و مقابله‌به‌مثل چین را در جنگ تجاری دید، مجبور شد درخواست مذاکره تجاری با طرف چینی را بدهد و در دو دور مذاکره که طی دو روز گذشته بین نمایندگان دوطرف در ژنو برگزار شد، به بسیاری از خواسته‌های چین تن داد که به گفته رسانه‌ها پیروزی بزرگی برای طرف چینی محسوب می‌شود. به گفته کارشناسان مذاکره با چین انتخاب طرف آمریکایی نبود و آنها بعد از کمانه‌کردن تحریم‌ها و ضرر و زیان شدید اقتصاد و برای جلوگیری از شروع بحران تازه مجبور به مذاکره با پکن شدند.

رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند که دوطرف در ژنو توافق کردند، تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی را برای یک دوره اولیه ۹۰روزه به‌شدت کاهش دهند. به گزارش «سی‌ان‌ان» بر اساس بیانیه مشترکی که هر دوطرف دیروز منتشر کرده‌اند، واشنگتن به طور موقت تعرفه‌های کلی خود بر کالاهای چینی را از ۱۴۵درصد به ۳۰درصد و پکن نیز تعرفه‌های خود را بر واردات کالاهای آمریکایی از ۱۲۵درصد به ۱۰درصد کاهش می‌دهند. این بیانیه می‌افزاید: طرفین همچنین توافق کردند که مکانیزمی را برای ادامه گفت‌وگوها در ارتباط با روابط اقتصادی و تجاری به رهبری «هه لیفنگ» معاون نخست‌وزیر چین، «اسکات بسنت» وزیر خزانه‌داری آمریکا و «جیمیسون گریر» نماینده تجاری ایالات‌متحده ایجاد کنند. «اسکات بسنت» وزیر خزانه‌داری آمریکا علی‌رغم لفاظی‌های گذشته دیروز در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو گفت: «اجماع هر دوطرف این است که هیچ‌یک نمی‌خواهند در روابط تجاری از هم جدا شوند و آنچه با اعمال این تعرفه‌های بسیار بالا رخ داده، معادل تحریم اقتصادی بود و هیچ‌یک از طرفین آن را نمی‌خواهند.» به گزارش ایرنا، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مذاکرات با چین در سوئیس را سازنده و دوستانه توصیف کرد و گفت که پیشرفت بزرگی در این گفت‌وگوها حاصل شد. ترامپ در شبکه اجتماعی خود موسوم به تروث‌سوشال نوشت: دیدار بسیار خوبی با چین در سوئیس انجام شد. در این دیدار «مسائل زیادی مورد بحث قرار گرفت و درباره چیزهای زیادی توافق شد. ما می‌خواهیم شاهد گشوده‌شدن چین به روی کسب‌وکارهای آمریکایی باشیم و این به نفع هم چین و هم آمریکا باشد که پیشرفت بزرگی حاصل شد». «هه لیفنگ» معاون نخست‌وزیر چین هم در اظهاراتی با بیان اینکه با طرف آمریکایی مذاکراتی صریح، عمیق و سازنده داشتیم، تاکید کرد: در جریان این مذاکرات پیشرفت اساسی حاصل شد و به یک توافق مهم رسیده‌ایم.

رهبران آمریکای لاتین در چین

همزمان با توافق آمریکا و چین در ژنو بر سر جنگ تجاری، گزارش‌ها حاکی است پکن امروز(سه‌شنبه) میزبان نشست بزرگ رهبران آمریکای لاتین است. پیش از این رسانه‌ها گزارش داده بودند رهبران آمریکای لاتین در نتیجه جنگ تجاری آمریکا به دنبال نزدیکی هرچه بیشتر با چین هستند. پکن نیز در سال‌های اخیر همکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای آمریکای لاتین افزایش داده و خواستار جبهه‌ای متحد در برابر موج تعرفه‌های اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شده است. بر اساس گزارش‌ها دوسوم کشورهای آمریکای لاتین به برنامه زیرساختی یک‌تریلیون دلاری «کمربند و جاده» چین پیوسته‌اند و چین اکنون از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری برزیل، پرو، شیلی و دیگر کشورها پیشی گرفته است.

نشست میان چین و جامعه ۳۳ عضوی کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (CELAC) قرار است امروز(سه‌شنبه) به‌طور رسمی در پکن آغاز شود. پکن پیش از آغاز رسمی نشست، از رهبران این منطقه استقبال کرده است؛ از جمله «لولا دا سیلوا»، رئیس‌جمهور برزیل که روز شنبه برای یک سفر رسمی پنج‌روزه وارد پکن شد. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری فرانسه «لولا» از زمان بازگشت به قدرت در اوایل سال ۲۰۲۳، تلاش کرده روابط کشورش را هم با چین و هم با آمریکا بهبود بخشد. طبق پایگاه داده کامترید سازمان ملل، صادرات برزیل به چین در سال گذشته به بیش از ۹۴میلیارد دلار رسید. این قدرت کشاورزی آمریکای‌جنوبی عمدتاً سویا و سایر کالاهای اولیه را به چین صادر می‌کند، در حالی‌که غول آسیایی هم نیمه‌هادی، تلفن، خودرو و دارو به برزیل می‌فروشد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از دیگر شرکت‌کنندگان مورد انتظار در این نشست می‌توان به «گابریل بوریچ»، رئیس‌جمهور شیلی و «گوستاوو پترو»، رئیس‌جمهور کلمبیا و اشاره کرد. «پترو» هفته گذشته اعلام کرد که قصد دارد هنگام دیدار با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در روزهای آینده، «نامه تفاهم» برای پیوستن به برنامه کمربند و جاده امضا کند. به گفته وزارت خارجه چین، شی جین‌پینگ در مراسم افتتاحیه نشست روز سه‌شنبه سخنرانی خواهد کرد.

گزارش کیهان از جولان تروریست‌های حاکم در سوریه

بوی مرگ در لاذقیه، اینجا مردم را در خیابان‌ها می کُشند!

سرویس خارجی-

گسترش جنایات و کشتارها علیه غیرنظامیان در سوریه نگاه‌ها را به سمت حضور تروریست‌های خارجی در این کشور جلب کرده است. خبرها حاکی از قتلِ کورِ مردم در لاذقیه است.

استان لاذقیه، به عنوان یکی از سنگرهای سنتی حکومت مرکزیِ سوریه در زمانِ دولت پیشین و زادگاه بسیاری از چهره‌های مهم در ساختارِ حاکمِ پیشین، از ابتدای بحران سوریه (حدود ۱۴ سال پیش) نقشیِ استراتژیک در حفظ پیوستگی نظام ایفا کرده است. اما در سال‌های اخیر، به ویژه پس از ورود بازیگران متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی، معادلات امنیتی حتی در مناطقی که زمانی به نسبت آرام تلقی می‌شدند، دگرگون شده‌اند. این وضع با حاکم‌شدن تروریست‌ها بر سوریه پیچیده‌تر هم شده است؛ چنان‌که در سطور آتی خواهید خواند. تجربه سال گذشته نشان داد که بدون نهادینه‌سازی حاکمیت قانون و بازسازی ساختارهای مدنی، بستر برای گسترش فعالیت گروه‌های مسلح و خشونت‌های کور فراهم است. آنچه اکنون در لاذقیه رخ می‌دهد، نمودی از همان روند فرسایشی است که در نبود یک ساختار سیاسی و امنیتی پایدار، خود را در قالب کشتارهای پراکنده و ناامنی اجتماعی نشان می‌دهد.

در همین رابطه خبرگزاری «مهر» به نقل از «الاخبار» نوشته، نگاه‌ها به سمت استان لاذقیه سوریه جلب شده چرا که طی روزهای اخیر نشانه‌های نگران‌کننده‌ای درخصوص افزایش موارد امنیتی و گسترش ترس و وحشت در میان شهروندان این کشور مشاهده شده است. «دیده‌بان حقوق بشر سوریه» از ثبت بیش از ۱۱ مورد قتل از جمله ۲ کودک در استان لاذقیه خبر داده است. این جنایات بیانگر نبود امنیت در سوریه به ویژه بعد از گذشت ۲ ماه از حملات وحشیانه و کشتارها علیه مناطق ساحلی این کشور است. تنها در یکی از این موارد، عناصر تروریست سوار بر ۲ خودرو به سمت غیرنظامیان در ادلب آتش گشودند. برآوردهای میدانی حاکی از آن است که دست‌کم پنج‌هزار تروریست در سه منطقه اصلی در حومه جبله، سقوبین و قرفیص مستقر هستند که ۲هزار تن از آنها را «عناصر خارجی» تشکیل می‌دهند. روستای قرفیص یک منطقه وابسته به طایفه علوی‌ها و نقطه راهبردی مشرف بر مسیر لاذقیه و طرطوس به‌شمار می‌رود.

گفتنی است، رخدادهای اخیر در لاذقیه، اگرچه ممکن است در نگاه اول صرفاً یک بحران امنیتی محلی به نظر برسند، اما در سطحی عمیق‌تر، پیامدهای فرساینده جنگی طولانی‌مدت‌اند که جامعه سوریه را درهم شکسته و زمینه را برای ورود بازیگران غیربومی و بی‌پروایی کامل آنها فراهم کرده است. حضور هزاران عنصر مسلح، به‌ویژه نیروهای خارجی، در مناطقی با حساسیت طایفه‌ای و ژئوپلیتیکی بالا، یادآور تجربه تلخ جنگ داخلی لبنان در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی است، جایی که خلأ حاکمیت ملی به عرصه تاخت‌وتاز گروه‌های مسلح بدل شد. جالب است اگر در سوریه خلأ حاکمیت هم نباشد، خود حاکمان تروریست مشکل پیچیده‌تری هستند! در چنین شرایطی، صرفاً اقدامات امنیتی نمی‌تواند راه‌حل باشد؛ بلکه بازسازی نهادهای محلی، پاسخ‌گویی سیاسی، و مهار نفوذ خارجی باید در دستورکار قرار گیرد؛ که این هم وقتی سلاح‌ها در کاخ دمشق باشند تا اطلاع ثانوی منتفی است. استمرار وضعیت فعلی نیز تنها به تعمیق زخم‌های اجتماعی و دوری بیشتر از آشتی ملی خواهد انجامید.

پرواز جنگنده‌های رژیم صهیونیستی

در حالی که زمین سوریه اینچنین در هرج‌ومرج است، آسمانِ این سرزمین نیز میدان ترک‌تازی رژیم آپارتاید اسرائیل است. «الجزیره» به نقل از «یسرائیل هیوم» گزارش داد که جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بر فراز دمشق پایتخت سوریه به پرواز درآمده‌اند. رژیم صهیونیستی از رفتن «بشار اسد» تاکنون صدها بار مناطق مختلف این کشور را بمباران کرده است. جالب است که در بحبوحه ترک‌تازی ارتش رژیم آپارتاید، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی از تمایل تل‌آویو برای داشتن روابط خوب با الجولانی و سوریه خبر می‌دهد؛ نکته عجیب‌تر آنکه او گفته است «ما به دنبال ثبات هستیم» اما ما دغدغه‌های امنیتی داریم و این موضوعی قابل فهم است. تمام اینها هم در شرایطی است که تروریست‌های حاکم بر سوریه بارها اعلام کرده‌اند که هیچ دشمنی با رژیم صهیونیستی ندارند!

مردم هدیه ارتش اسرائیل را آتش زدند

از سوریه همچنین خبر می‌رسد که مردم روستای «العشه» در جنوب سوریه، «مواد غذایی» توزیع‌شده توسط نیروهای اسرائیلی را به آتش کشیدند. منابع سوری صبح روز دوشنبه تصاویری از کارتن‌های حاوی این موادغذایی را در حال سوزانده‌شدن منتشر کردند. نیروهای اسرائیلی پیش از این به ویژه در ماه‌های مارس و آوریل چندین‌بار به صورت غیرقانونی وارد روستای العشه شده بودند و اقدام به تفتیش خانه‌های غیرنظامیان سوری کرده بودند.

گفتنی است، نطقه استراتژیک «جبل‌الشیخ» در سوریه که تنها حدود ۳۵ کیلومتر از دمشق فاصله دارد، یکی از این مناطق است که تحت اشغال رژیم صهیونیستی درآمده است. اهالی روستاهای سوری به‌ویژه روستای السویسه در قنیطره (جنوب سوریه) تاکنون چندبار در اعتراض به اشغالگری اسرائیل علیه این رژیم تظاهرات برپا کرده‌اند؛ اما نظامیان اسرائیلی به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند و این اقدام اعتراضی را سرکوب کردند.

الجولانی «برج ترامپ» می‌سازد!

خبر دیگر آنکه خبرگزاری «رویترز» در گزارشی می‌نویسد که «جاناتان باس» فعال آمریکایی حامی ترامپ که چندی پیش با «بومحمد الجولانی»، رئیس دولت موقت سوریه و رهبر تحریرالشام، به مدت چهار ساعت با سایر مقام‌های کشورهای حوزه خلیج‌فارس و فعالان سوری در دمشق دیدار کرد، تلاش کرده تا نشستی را بین الجولانی و ترامپ در حاشیه سفر رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان، قطر و امارات ترتیب دهد. جاناتان باس امیدوار است که حضور ترامپ و الجولانی در یک نشست دوطرفه، بتواند به نرم‌تر شدن دیدگاه رئیس‌جمهور آمریکا و دولتش در مورد دمشق و کاهش تنش فزاینده در روابط بین سوریه و رژیم صهیونیستی کمک کند. وی خاطرنشان کرد: «الجولانی به من گفت که می‌خواهد یک «برج ترامپ» در دمشق تاسیس شود. او به دنبال صلح با همسایگان است. آنچه او به من گفت هم برای منطقه و هم برای اسرائیل خوب است.» جاناتان باس همچنین گفت: «الجولانی به دنبال یک معامله تجاری برای آینده کشورش است. این معامله می‌تواند شامل بهره‌برداری از انرژی، همکاری علیه ایران و تعامل با اسرائیل باشد.»

حمله صهیونیست‌ها به زیرساخت‌های یمن؛ ۳ بندر را دیوانه‌وار بمباران کردند

سرویس خارجی-

جنگنده‌های رژیم صهیونیستی موجی از حملات دیوانه‌وار هوائی را علیه زیرساخت‌های بنادر سه‌گانه یمن به راه انداختند.

رژیم آپارتاید اسرائیل در برخورد با دشمنان خود، سابقه‌ای طولانی در نقض اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه و بی‌توجهی به استانداردهای پذیرفته‌شده جنگ دارد. یکی از الگوهای تکرارشونده در اقدامات این رژیم، هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر جوامع دشمن است. مثال غره در این روزها که اکنون پیش‌روی همه شماست، اما برای ذکر نمونه‌ها به چند سال پیش‌تر می‌رویم: در جریان جنگ ۳۳روزه لبنان در سال ۲۰۰۶، نیروی هوائی رژیم اسرائیل صدها حمله به زیرساخت‌های حیاتی لبنان انجام داد، از جمله بمباران فرودگاه بیروت، پل‌ها، نیروگاه‌ها و شبکه برق‌رسانی. همچنین در تهاجمات مکرر به نوار غزه، از جمله عملیات «سرب گداخته» (۲۰۰۸-۲۰۰۹)، «ستون ابر» (۲۰۱۲) و «صخره سخت» (۲۰۱۴)، حمله به مدارس وابسته به سازمان ملل، بیمارستان‌ها، و سامانه‌های تصفیه آب و فاضلاب ثبت شده که گزارش‌هایی از سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) آن را تأیید کرده‌اند. توجه دارید که تمرکز بر روی زیرساخت‌هاست و از نسل‌کُشی‌ها و کودک‌کُشی‌ها می‌گذریم! هدف از این حملات، انتقال جنگ از عرصه نظامی به حیات غیرنظامیان و وارد کردن فشار روانی، اقتصادی و معیشتی بر جمعیت محلی است تا روحیه مقاومت در آنان تضعیف شود. در این چارچوب، حملات اخیر رژیم اسرائیل به زیرساخت‌های یمن نیز تکرار همین الگوست: تلاشی برای کشاندن میدان جنگ به دل زندگی مردم، فارغ از رعایت مرزهای حقوقی و اخلاقی که برای محافظت از غیرنظامیان در نظر گرفته شده است.

بمباران سه بندر

اگر دشمنی که زیرساخت‌های آن مورد حمله قرار می‌گیرد، دشمنی باشد که صهیونیست‌ها در موردش می‌گویند: «اسرائیلی‌ها در شوک هستند که اینها تبدیل به قهرمان شده‌اند!» روشن است که حملات چقدر دیوانه‌وار خواهد بود. رسانه‌های یمنی بامداد دیروز گزارش دادند جنگنده‌های رژیم اسرائیل موجی از حملات هوائی را علیه بنادر یمن آغاز کرده‌اند. ارتش رژیم صهیونیستی در ادامه تحرکات بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه غرب آسیا، به ساکنان سه بندر در یمن هشدار تخلیه داده است. طبق ادعای ارتش رژیم صهیونیستی، این هشدار پس از حمله موشکی یمن به سمت سرزمین‌های اشغالی صادر شد و سه بندر الحدیده، رأس عیسی و صلیف را شامل می‌شود. آن‌طور که «تسنیم» نوشته است، «جنگنده‌های رژیم اسرائیل موجی از حملات هوائی را علیه بنادر سه‌گانه یمن به راه انداختند. جنگنده‌های اسرائیلی در ابتدا با ۱۰ بمب بندر رأس عیسی در یمن را هدف حمله خود قرار دادند. همزمان برخی منابع محلی از آغاز حملات هوائی اسرائیل به بندر الصلیف یمن نیز خبر می‌دهند.» همزمان که این اخبار را پیش چشم داریم باید توجه داشته باشیم که آمریکا حداقل به طور علنی و رسمی دست از حمایت رژیم در برابر یمنی‌ها شسته است که در سطور آتی به چرایی آن اشاره خواهیم کرد.

چرا آمریکا جا زد؟

مجموعه‌ای از تحولات نظامی «بسیار خطرناک» بین آمریکا و یمن که علنی نشد، باعث شد واش